

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن – المان

غولښک

بگذار، خر خر خر کند ، این بار ، منزل می رسد
ورنه به صد خون جگر ، خیلی به مشکل می رسد
خر خر به هر خر واجبست ، ورنه کجا خر خر شود
در گل بماند روز و شب ، داروی فاصل می رسد
(نوشادر فرمایشی) ، باید به سر وقت خران
تا نغمه هنگ هنگ شان ، با ساز باطل می رسد
(لؤلؤ) و (شادولای) ما ، با سادگی و پادگی
از (تی وی اشراریان) پیغام عاجل می رسد
توهین ، بر روشنگران ، تحقیر بر آزادگان
تکفیر هم بر شاعران ، سوغات جاهل می رسد
از نوکران طالبی ، وز چاکران قالبی
گلکار تعریفی شان با کاه و با گل می رسد
گلماله جعلی وی سودی نبخشد بر چک
بوران ما بر بام آن (غولښک) غافل می رسد
(غولښک) ، یعنی محترم (لؤلؤی) بیعقل و خرد

این نام از روشنگران ، در شأن سافل می رسد
بر گردنِ خر مینگر ، نیکتاییِ شش دالری
لنگر نموده یکطرف ، آن کورِ کاهل می رسد
 پرسش ز (**شادولا**) شدی ، از (**واژه**) و معنای آن
 گفتا یکی از لهجهٔ آفل ، ز ناقل می رسد
 ای (**آپه پیچو**) باخبر ، (**قُلْدُر**) نمائی می نکن
بر بُرس و رنگ و پالشت ، تیغِ دلانل می رسد
 گاهی به دستِ (**طالبان**) ، گاهی به پای (**گلبدین**)
 فرمان و حکمِ اجنبی ، از زنگِ فاعل می رسد
 حرف حقیقت ، جانِ من ، شور است و خیلی تلخ و تند
 هم خارش و هم سوزش از ، بیرون و داخل می رسد
 یا رب کمی انصاف ده ، بر (**بر خادکی**) بیحیا
 داند که روزی عدلِ آن ، سلطانِ عادل می رسد
 پس از سرِ روشنگران دستِ جفا کوتاه کند
 درسِ وفاگیرد ز ما ، تا بذلِ باذل می رسد
 صلح و صفا و آشتی ، شد خرمنِ اهدافِ ما
 از کِشتِ تخمِ دوستی ، بنگر چه حاصل می رسد
آمد پسندِ خاطرَم در صفحهٔ (فیس بوک) مان
دشنامِ چند تا خادکی ، بر جمله ، شامل می رسد
 تا خواندمش ، جاری شدی ، طبعِ روانم هرطرف
 دُرِواژه های معرفت ، به به ز ساحل می رسد
 بگذار **سگ عوعو** کند ، بگذار **خر عرعر** کند
ناموسِ خود جو جو کند ، تا شکوه از دل می رسد
 « نعمت » ! به پاسِ دوستی ، بس بس توقف لازمست
 ترسم ز جولانِ قلم ، تیری به بسمل می رسد

بخاطر روشن ساختن اشخاصی که سگهای جنگی را تربیت کرده به جان روشنگران و فرزندان راستینِ وطن وُچ وُچ میکنند، بخاطر آنهایی که رفاقت با اشرار و ناخلفان خادکی دارند، همچنان بخاطرِ ادب کردن بی ادبان، و هدایت نمودن باند ترور شخصیت، که گذشته های تنگینِ خود را با تاپه های سیاست و مُهرهای دین و مذهب، به فرزندانِ صدیق، و روشنگرانِ میهنِ غرور

آفرین. ما میچسپانند، و مانند چوبخپی ها ، وقت و ناوقت، با الفاظ کوچه بازاری هرچه که دل تنگِ شان خواست میگویند.

فقط و فقط یک راه چاره وجود دارد ، که هم اخلاق و ادبِ فرهنگی را مراعات کرده باشیم ، و هم عفت و حرمتِ کلام را، یعنی هریکی از باندِ ترور شخصیت که در هر برنامه ای به هموطنانِ ما توهین و یا فحاشی کند باید به همان برنامه سازی که، زمینه سازی کرده و وقتِ گرانبها را در اختیارِ همچو عقده ئی ها و مریضهای شخصیتی گذاشته و اخلاق و تربیتِ فرهنگی را مراعات نکرده به همان اوزان و ابعاد بلکه شدیدتر پاسخ داده شود، نه به شخص فحاش و مربوطینِ باندِ ترور شخصیت.

و همچنان اگر برنامه ساز و یا برنامه داری، از هر تلویزیونی که باشد به هموطنانِ عزیز بیحرمتی و یا ترورِ شخصیت کند، پاسخش را به رئیس و یا معاون تلویزیون مذکور که مسؤول در نزد مردم هستند، باید داد تا رؤسای تلویزیونها هم در قسمت کنترل برنامه ها و تربیتِ برنامه سازان، سعی بلیغ مبذول داشته، متوجه رسالتِ فرهنگی خود شوند، و هم در همچو زد و خوردهای فرهنگی نباید تعرض، توهین و تحقیر، تهمت و بی حرمتی به فامیلهها شود، و هم نباید اسم اشخاص گرفته شود، اگر انتقادی باشد بدون گرفتن نام مثلاً بگویند (یکی از برنامه داران اجتماعی و یا یکی از مبصران سیاسی و یا یکی از شعرائی که اشعار انتقادی و یا به ریش و عبا و قبا و غیره میگویند.) کوشش کنند با اشارات و رمزهای طنزگونه طرف را بفهمانند. انتقاد همیشه سازنده است، جر و بحث همیشه باید جریان داشته باشد، تا واقعیتها در انظار ما جلوه گری نموده رخ بگشاید زیرا از گفته های بزرگان ما است که « واقعیت " شعاعِ بارقه ای از تصادم افکار است! »

(2010 \ 09 \ 28)